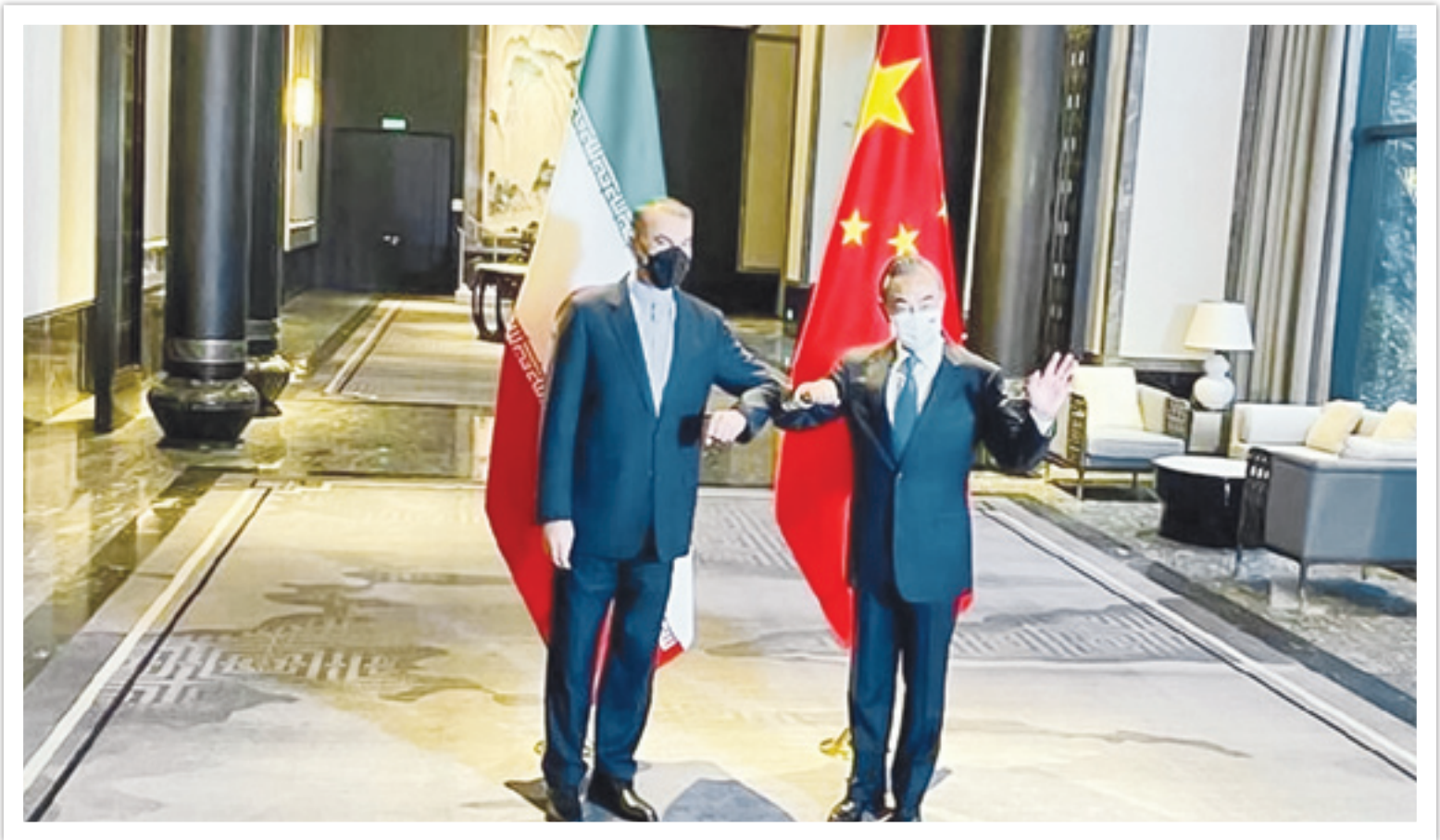


قواعدی برای یک همکاری ۲۵ ساله

سند همکاری ایران و چین از منظر حقوق بین‌الملل الزامات قابل توجهی برای دوطرف دارد



در سفر اخیر وزیر امور خارجه به چین، توافق شدد که دو کشور اجرایی و عملیاتی شدن توافق همکاری‌های راهبردی و جامع ۲۵ ساله را اعلام کنند. از نظر حقوق بین‌الملل، سسند همکاری ایران و چین را نمی‌توان معاهده عنوان کرد. به عقیده حقوقدانان استفاده از یادداشت تفاهم به جای معاهده، محرمانه بودن و حفاظت از اطلاعات حساس اقتصادی یادگیر نگرانی‌های امنیتی کشورها را پوشش می‌دهد. این اسناد با توجه به ماهیت حقوقی خود بسیار سریع‌تر از یک معاهده می‌توانند به نتیجه رسیده و قابل اجرا باشند.

آغاز بحث پیرامون سند همکاری ۲۵ ساله بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین به سفر رئیس‌جمهور چین به ایران در سال ۱۳۹۴ برمی‌گردد. این سند در تاریخ ۷ فروردین ۱۴۰۰ به امضای وزرای خارجه دو دولت رسید. از همان زمان امضای این سند نظرات متسدد و گاهی متضاد، پیرامون ماهیت سند مزبور و اینکه از حیث الزام‌آوری وجهه قضییتی دارد، ارائه شده است.

■ **الزام آور هست یا نیست؟**

به‌طور کلی در خصوص ماهیت سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین می‌توان قائل به دو فرض شد. نخست آنکه چنین سندی یک معاهده بین‌المللی بوده و برای طرفین الزام‌آور است. دوم آن‌که یک یادداشت تفاهم (MOU) بوده و جنبه الزام‌آوری ندارد. ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در قسمت «الف» بند یک خود معاهده را چنین تعریف می‌کند: از نظر عهدنامه حاضر، معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد.

بنا بر نظر برخی حقوقدان‌ها، سند منعقدہ بین ایران و چین یک معاهده بین‌المللی طبق این تعریف بوده و در نتیجه از حیث الزام‌آوری است. زیرا با عنایت به ماده فوق‌الاول در تشخص معاهده بودن یک سند، عنوان آن ملاک نیست و بنابراین سند همکاری ایران و چین نیز فارغ از نام آن می‌تواند یک معاهده بین‌المللی تلقی شود. ثانیاً سند پیش‌گفته یک توافق بین‌المللی بوده و بین دو کشور نیز منعقد شده و به‌صورت کتبی هم

نکته زهرانعمتی

جایگاه زنان در نظام قضایی کشور

در مورد جایگاه زنان در نظام قضایی کشور همواره بحث و جدال‌هایی بوده اما توجه به این نکته ضروری است که همین حضور زنان در جایگاه دایاری و جانشینی دادستان یا معاونت دادستان اساساً گویای این مهم است که زنان جای خود را در قوه باز کرده‌اند.

با اِبلّاخِ اولین بر که سبز به اولین قاضی زن توسط ریاست قوه، یعنی محلی برای جدال میان بودن یا نبودن زنان باقی نیست. قوه قضائیه هر سال مطابق با سیاست‌های خود اقدام به جذب بانوان در قوه می‌کند و متقاضیان می‌توانند از چند طریق شامل جذب عمومی، جذب اختصاصی، دانشگاه علوم قضایی جذب قوه شوند و از ظرفیت‌شان استفاده شود.

با صدور سند تحول قضایی توسط حجت‌الاسلام رئیسی، تمام نظامات جذب متحول شد و قضایی‌که از قبل بسیار بسیار رقابتی بود به سمت رقابتی‌تر شدن پیش رفت. در مواجهه با دفترچه جذب عمومی و اختصاصی قسمتی گنجانده شده با عنوان محدودیت پذیرش بانوان، همواره

موجود است. بنابراین از این حیث نیز می‌توان آن را یک معاهده دانست. هر چند که در نگاه نخست، استدلال این عده از حقوقدانان صحیح جلوه می‌نماید اما به نظر می‌رسد که یکی دیگر از شروط بیان شده در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین؛ از نظر آنان مغفول مانده است. ■ **تفسیر ارائه شده از کمیسیون حقوق بین‌الملل**
ماده قانونی مغفول مانده این است که یک معاهده باید مشمول حقوق بین‌الملل بوده و تحت حاکمیت آن باشد. مطابق تفسیر ارائه شده از کمیسیون حقوق بین‌الملل، عبارت «مشمول حقوق بین‌الملل باشد» بدین معنی است که طرفین یک معاهده باید قصد ایجاد تعهداتی بر اساس حقوق بین‌الملل را داشته باشند. چنانچه قصد ایجاد تعهداتی بر اساس حقوق بین‌الملل وجود نداشته باشد، سند مزبور یک معاهده تلقی نخواهد شد. حال پرسش مهمی مطرح می‌شود که آیا ایران و چین چنین قصدی را از انعقاد سند همکاری ۲۵ ساله داشته‌اند یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ به سؤال مذکور است که می‌توان سند منعقدہ بین ایران و چین را یک معاهده بین‌المللی دانست. در غیر این صورت به نظر می‌رسد چنین سندی را باید یک یادداشت تفاهم تلقی کرد.

■ **یک مسئله مهم حقوقی**
از نظر حقوقدانانی چون پروفسور جان کلایرس هر

اگر شکل، واژگان یا مقررات صریحی از سند حقوقی وضعیت آن را مشخص نکنند، اقدامات دولت‌ها مثل ثبت کردن یا نکردن در دبیرخانه سازمان ملل می‌توانند در تعیین وضعیت آن سند تأثیر گذار باشد

از نظر حقوقدانانی چون پروفسور جان کلایرس هر



است و زمانی که یک کپی از این سند به دبیر کل سازمان ملل متحد فرستاده شد، ثابت‌بمان کرد که آن سند واجد شرایط به جهت ثبت در دبیرخانه سازمان ملل طبق ماده ۱۰۲ منشور نبوده است.

تفاهم‌نامه ۲۰۰۲ آتن در مورد بازار برق منطقه‌ای در جنوب‌شرقی اروپا نیز در همین زمره است. با اینکه تا حدودی از زبان معاهده‌ای (همچون parties, adhe-ing parties, agree) استفاده کرده است اما پاراگراف ۸ آن تعیین کرده که این تفاهم‌نامه یک توافقی که در حقوق بین‌الملل الزام‌آور است را تشکیل نمی‌دهد. البته لازم به ذکر است که هر چند به کار بردن چنین عبارتی به‌طور قطع وضعیت یک سند را مشخص می‌کند اما از قلم انداختن آنها نیز نشان نمی‌دهد که سند به عنوان یک معاهده در نظر گرفته نشده است.

■ **پیش‌زمینه‌ای برای توافقات آینده**

از سوی دیگر اگر شکل، واژگان یا اصطلاحات و مقررات صریحی از سند حقوقی وضعیت آن را مشخص نکنند، اوضاع و احوالی که سند منعقد شده است و اقدامات بعدی دولت‌ها مانند ثبت یا ثبت نکردن سند در دبیرخانه سازمان ملل متحد نیز می‌تواند در تعیین وضعیت آن کارساز باشد. در مجموع ثبت سند در سازمان ملل متحد عموماً دلیل خوبی در مورد معاهده بودن یک سند است. به‌طور کلی و در خصوص سند همکاری ایران و چین، نمی‌توان پاسخ صریحی را در مورد معاهده یا یادداشت تفاهم بودن این سند داد. با توجه به اطلاعات فعلی و با دقت نظر در پیش‌نویسی که از سند موجود است، و نیز با در نظر داشتن توضیحاتی که از سوی وزارت امور خارجه ارائه شده است، می‌توان ادعان نمود که طرفین بیشتر قصد ایجاد پیش‌زمینه‌ای برای توافقات آینده را دارند. گذشته از این، ثبت نشدن این سند در سازمان ملل متحد نیز موضوع قابل توجهی است که فرض معاهده بودن آن را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر باید توجه کرد که ثبت نشدن در سازمان ملل از ویژگی‌های بارز یک یادداشت تفاهم است.

■ **نیازمند تصویب مجلس نبود**

همچنین باید توجه کرد که یکی از دلایل اصلی استفاده از یادداشت تفاهم به‌جای معاهده، محرمانه بودن و حفاظت از اطلاعات حساس اقتصادی یا دیگر نگرانی‌های امنیتی و نیز فقدان تشریفات در انعقاد آن است. در یادداشت تفاهم نیازی برای به دقت شرح دادن قیود نهایی یا نیازی به تشریفات (ملی یا بین‌المللی) که پیرامون معاهدات مطرح شده، نیست.

این اسناد بدون نیاز به هیچ روند دیگری همچون ارائه به مجلس، یا یک امضای قابل اجرا می‌شوند (اگرچه این امر به قانون اساسی و رویه هر دولتی بستگی دارد) و به همین علت نیز این نوع از اسناد عموماً می‌توانند بسیار سریع‌تر از یک معاهده به نتیجه رسیده و قابل اجرا باشند. از آنجایی که یادداشت تفاهم با معاهده از نظر حقوقی فرق دارد، عموماً هیچ نیازی به لحاظ ملی و بین‌المللی برای انتشار آن وجود ندارد و در بسیاری موارد به‌خاطر اهمیت سیاسی که دارد منتشر نمی‌شود.

تمامی این مشخصه‌ها را در سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین نیز می‌توان به خوبی مشاهده کرد چراکه سند مذکور صرفاً با امضای وزرای خارجه طرفین و بدون هیچ گونه تصویب در مجلس به اجرا در آمده و متن اصلی آن نیز تاکنون به‌صورت محرمانه نگهداری شده است. بنا بر همین دلایل، به نظر می‌توان گفت که این سند بیشتر به یک یادداشت تفاهم مشابهت دارد تا یک معاهده بین‌المللی. البته نباید تصور کرد که در

در غیر این صورت، زمانی که دولت‌ها قصد انعقاد یک معاهده را ندارند و قصدشان صرفاً انعقاد یک یادداشت تفاهم است، به‌جای واژه‌ای مانند shall از اصطلاحی استفاده می‌کنند که جنبه الزام‌آوری کمتری دارد؛ مانند will. ثالثاً مقررات صریح موجود در متن سند می‌تواند تعیین‌کننده وضعیت یک سند باشد. به‌طور مثال، دولت‌هایی که سند نهایی هلسینکی را پذیرفتند، با بیان اینکه این سند واجد شرایط برای ثبت (به‌عنوان یک معاهده) در دبیرخانه سازمان ملل متحد طبق ماده ۱۰۲ منشور نیست، آشکار ساختند که قصدشان وارد شدن به یک معاهده نیست. در سندی که بین روسیه و ناتو در سال ۱۹۹۷ منعقد شد، در مقدمه سند به الزام و تعهد سیاسی اشاره شده

یادداشت

لزوم تناسب میان

مجازات‌های جرائم مواد مخدر

■ **مهسا محمدی***

سیاست جنایی تقنینی مناسب، اقتضای معنی‌کند که ضمانت اجرا با واقعیت‌های جامعه، جرائم ارتکابی و شخصیت بز هکار و میزان لطمه‌ای که به اجتماع وارد شده هماهنگ و سازگار باشد.

یکی از توجهیات اساسی مجازات، عادلانه بودن آن است و این مهم جز از طریق برقراری تناسب مجازات با جرم که از ششونات قانونگذار تلقی می‌شود، میسر و ممکن نخواهد بود.

برای جرائم خرد مواد مخدر که از سوی افراد پایین‌دست واقع می‌شوند، مجازات سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد وضع شده است. یکی از مؤلفه‌های جرم‌انگاری، همسویی مجازات جرم با میزان قبح اجتماعی آن است تا اینکه عادلانه بودن مجازات و تناسب آن با جرم توجیه شود. افکار عمومی به هیچ وجه قبح اجتماعی جرائم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش مثلا ۳۱ گرم هروئین که مجازات اعدام دارد، به یک میزان بر نمی‌تابد.

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر با مبانی فقهی هم سرسازگاری ندارد چراکه اکثر فقها معتقدند که اعدام تعزیری ندریم.

بنا بر قاعده فقهی «التعزیر دون الحد»، «تعزیر از لحاظ مجازات در درجه پایین‌تری از حد قرار دارد» سنگین‌ترین مجازات تعزیری در مجازات جلد قطعاً باید از کمترین حد جلد (که ۷۵ ضربه است) کمتر باشد که قانون مجازات اسلامی هم همین نظر را پذیرفته است.

به بیان ساده‌تر، حد بالای مجازات جلد تعزیری ۷۴ ضربه است. پس نمی‌توانیم اعدام جرائم مستوجب تعزیر داشته باشیم. اساساً در اسلام، در حفظ جان تأکید فراوانی شده و تا جایی که امکانپذیر است و حتی در موارد مجازات‌ها می‌بایست از مجازات اعدام جلوگیری شود و دستگاه قضاهم همین رویه را دارد.

در باب مجازات‌های اسلامی نیز این یک اصل است که مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد. از نظر میزان مجازات، برخلاف حدود، کمیت مجازات تعزیری به صلاح‌حید حاکم باید متناسب با جرم و حال بز هکار باشد. بسه همین دلیل در مجازات مواد مخدر حکم اعدام وجود دارد اما بهتر است با بازبینی در مجازات‌های اعدام مربوط به مواد مخدر، رویه استدلالی دستگاه قضا با قانون حمایت شود.

■ **حکم استفاده از سلاح سرد**

ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی درباره مجازات‌های مخصوص به سلاح سرد است. هر کس به‌وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر به قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلابودیز شود، مشمول این ماده می‌شود. این اعمال در صورتی که از مصداق محارب نباشد، به حساب از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

سلاح سرد به هر نوع سلاحی که برای دفاع یا تهاجم مورد استفاده قرار بگیرد اطلاق می‌شود اما در قانون تعریف مشخصی از سلاح سرد نشده است. مواردی هم که در قانون نیامده باید در آیین‌نامه‌ها یا بخشنامه‌ها تعریف راجست‌وجو کنیم.

■ **سلاح سرد**

قانونگذار در قسمتی از ماده ۶۱۷ قانون مجازات آورده است که چنانچه عمل استفاده‌کننده از سلاح سرد محارب باشد، متمم به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد. در تعریف محارب به نیز گفته شده است که کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم به نحوی که موجب ایجاد ناامنی و رعب و وحشت در بین افراد جامعه شود، مصداق بارز محارب است. بنابراین تفاوت محارب به با جرم استفاده از سلاح سرد در این است که محاربه جرمی علیه امنیت کشور تلقی شده در حالی که در استفاده از سلاح سرد مسئله مربوط به صدمه به جان اشخاص است.

■ **مصداق مربوط به سلاح سرد**

سلاحی سرد محسوب می‌شود که استفاده از آن با صدا، شعله و حرارت نباشد که از جمله این سلاح‌ها می‌توان از چاقو، زنجیر، قمه، پنجه بوکس، افشانه‌های خواب‌آور و شوکر نام برد. گاهی حتی تشخیص مصداق سلاح سرد با دادرس (قاضی) است و حتی ممکن است از کارشناس رسمی یا پزشکی قانونی نیز در خصوص آن اظهار نظر کارشناسی خواسته شود.

بنا بر گزارش تاز نمای معاونت پیشگیری از جرایم قوه قضائیه، در این خصوص آرای متعددی نیز از دادگاه‌ها صادر شده و ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو، جرمی با عناوین متعدد مجرمانه شناخته می‌شود.

از آنجا که استفاده از سلاح سرد می‌تواند مصداق محاربه باشد، بنابراین نباید اشخاص به‌ویژه جوانان به سوی چنین رفتارهای خشونت‌باری سوق پیدا کنند. در غیر این صورت ممکن است رفتار آنها مصداق محاربه باشد که جرم علیه امنیت تلقی شده و مجازات آن بسیار سنگین است.

■ **دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه فردوسی مشهد**



امید است که با تأکید حجت‌الاسلام محسنی ا‌ز‌های بر لزوم بازنگری و تغییر برخی قوانین و رفتارها به نفع زنان، شاهد تغییرات مثبتی در جهت بهبود وضعیت بانوان در پیکره نظام قضایی کشور باشیم.